

بررسی معنی و مفهوم تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلامی

حسین غلامی دوست^۱، علیرضا اسدی دیگه‌سرا^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد رشت (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد رشت

چکیده

مقاله حاضر به بررسی مفهوم و معنای تربیت از دیدگاه اسلام می‌پردازد. در این مقاله، اهمیت و جایگاه تربیت در اسلام و نقش آن در رشد و تکامل انسان از منظر قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) بررسی شده است. از طریق تفسیر آیات مختلف قرآن کریم و روایات پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع)، مفهوم تربیت به عنوان فرآیندی جهت پرورش ابعاد مختلف انسان شامل جنبه‌های عقلانی، اخلاقی، اجتماعی و جسمی بررسی شده است. تعلیم و تربیت معادل واژه آموزش و پرورش است. معادل واژه آموزش در زبان عربی «تعلیم» و در زبان لاتین Teaching یا Instruction است. در قرآن کریم همراه با واژه تعلیم، واژه تزکیه ذکر شده است که مترادف تربیت (پرورش) می‌باشد. در چهار مورد از آیات قرآن کریم، مسئله تعلیم و تربیت ذکر شده و در سه مورد، تربیت (تزکیه) بر تعلیم مقدم شمرده شده است. تنها در یک مورد تعلیم بر تربیت مقدم است که این خود حاکی از این نکته مهم است که هیچ تربیتی بدون آموزش محقق نمی‌شود. ارتباط تنگاتنگ بین تعلیم و تربیت به عنوان دو عنصر اساسی در فرآیند آموزش و پرورش انسان مورد بررسی قرار گرفت که مشخص شد تعلیم و تربیت بایکدیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند (ترکیب ذاتی و جوهری) در واقع مانند تار و پود، درهم تنیده هستند. در پایان، اهمیت تربیت از دیدگاه اسلامی به عنوان یکی از عوامل اساسی در شکوفایی انسان و ارتقاء جوامع اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: تعلیم، تربیت، دیدگاه اسلامی

مقدمه

تعلیم و تربیت دو مفهوم کلیدی در حیات علمی و معنوی انسان‌ها است که پیوسته در کنار هم به کار رفته و همراه هم هستند. در واقع، تعلیم و تربیت معادل واژه آموزش و پرورش است. معادل واژه آموزش در زبان عربی «تعلیم» و در زبان لاتین Teaching یا Instruction است. آموزش به طور کلی، دارای دو مفهوم عام و خاص می‌باشد. در مفهوم عام، شامل هر نوع انتقال مفاهیم و تأثیرگذاری در ذهن فراگیران به منظور ایجاد یادگیری در او می‌باشد، خواه این تأثیرگذاری در قالب رسمی و از پیش طرح‌ریزی شده باشد همانند آنچه در مراکز آموزش شی و به ویژه در کلاس درس انجام می‌گیرد و خواه به صورت خود به خودی و بدون طراحی و برنامه‌ریزی قبلی باشد، همانند تأثیری که از برنامه‌های آموزشی تلویزیونی و یا مطالعه کتاب و مجله و مانند این‌ها حاصل می‌شود (بناری، ۱۳۹۰). آموزش در مفهوم خاص عبارت است از فعالیت‌هایی که با هدف آسان ساختن یادگیری توسط معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین معلم و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد (سیف، ۱۳۹۳). به بیان دیگر، آموزش فعالیتی است که مربی و متربی با هم و به صورت کنش متقابل در کلاس درس انجام می‌دهند. آموزش گاهی به صورت انتقال دانش صورت می‌گیرد اما گاهی از انتقال دانش فراتر می‌رود و منجر به یادگیری می‌شود.

دکتر علی اکبر سیف، روان‌شناس تربیتی برجسته، یادگیری را به عنوان فرآیندی تعریف می‌کند که طی آن، بر اثر تعامل فرد با محیط، تغییرات نسبتاً پایداری در رفتار یا توان رفتاری او به وجود می‌آید. این تغییرات ناشی از تجربه و تمرین بوده و نه بر اثر عوامل موقتی مانند خستگی، بیماری و ...

به بیان دیگر، یادگیری از دیدگاه سیف، شامل این ویژگی‌ها می‌شود:

فرآیند تغییر: یادگیری به تغییرات در رفتار یا توان رفتاری فرد منجر می‌شود.

پایداری تغییر: تغییرات باید نسبتاً پایدار باشند؛ تغییرات موقتی مانند خستگی یا حالت‌های عاطفی زودگذر به عنوان یادگیری در نظر گرفته نمی‌شوند.

ناشی از تجربه: این تغییرات بر اثر تجربه، تمرین و تعامل با محیط به دست می‌آیند و نه به دلیل شرایط جسمی یا شیمیایی موقتی.

واژه تربیت عربی است. معادل لاتین آن Education و معادل فارسی آن پرورش است. پرورش در زبان فارسی و از لحاظ لغوی در معانی گوناگونی چون پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و ... وجود دارد. پرورش عبارت است از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی یا به طور کلی رشد شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت کسب هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آن‌ها است (سیف، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر، پرورش یعنی به فعلیت رساندن استعدادهای دانش‌آموزان (تبدیل بالقوه به بالفعل).

در دیدگاه اسلامی، تربیت به عنوان یک فرآیند جامع و همه‌جانبه تلقی می‌شود که نه تنها به انتقال دانش و مهارت‌ها محدود نمی‌شود، بلکه به پرورش شخصیت اخلاقی، معنوی و اجتماعی فرد نیز می‌پردازد. اسلام به تربیت به عنوان یک مسئولیت الهی نگاه می‌کند که در آن هر فرد موظف به پرورش استعدادهای خدادادی خویش و دیگران است. این دیدگاه بر اساس آموزه‌های قرآن، سنت پیامبر اکرم (ص) و احادیث ائمه اطهار (ع) شکل گرفته و تأکید دارد که تربیت باید به گونه‌ای باشد که فرد را به تقوا و فضیلت‌های اخلاقی هدایت کند.

در اسلام، تربیت دارای ابعاد مختلفی است که شامل تربیت دینی، تربیت اخلاقی، تربیت عقلانی، تربیت جسمانی و تربیت اجتماعی می‌باشد. تربیت دینی به معنای آشنایی و عمل به اصول و فروع دین اسلام است. تربیت اخلاقی به معنای پرورش فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است. تربیت عقلانی به معنای پرورش توانایی‌های فکری و منطقی فرد است. تربیت

جسمانی به معنای حفظ سلامت و توانایی جسمانی است و تربیت اجتماعی به معنای آماده سازی فرد برای زندگی اجتماعی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی می‌باشد.

از این منظر، تربیت اسلامی نه تنها به فرد بلکه به جامعه نیز توجه دارد و تلاش می‌کند تا با پرورش افرادی با فضیلت و مسئولیت‌پذیر، جامعه‌ای سالم و با ارزش‌های اخلاقی بالا ایجاد کند. به این ترتیب، تربیت اسلامی به دنبال ایجاد توازن و هماهنگی میان جنبه‌های مختلف زندگی انسان است و سعی دارد تا با هدایت صحیح فرد و جامعه به سوی کمال، زمینه ساز رشد و توسعه پایدار باشد.

تفاوت مفهوم تعلیم و تربیت

در مقایسه آموزش (تعلیم) و تربیت (پرورش)، تفاوت‌هایی بیان شده است که عبارتند از: هدف: در تربیت، رشد دادن و شکوفایی همه قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه انسان است، ولی در آموزش، هدف اصلی انتقال معلومات است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷). به بیان دیگر، تربیت به دنبال پرورش همه‌جانبه فرد است، در حالی که آموزش بیشتر بر انتقال دانش و اطلاعات تمرکز دارد.

در تعلیم، بیشتر با یک بعد از ابعاد وجودی انسان، یعنی بعد شناختی و عقلانی او سروکار داریم، اما تربیت فراگیر و همه‌جانبه است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷). این بدان معناست که آموزش بیشتر بر توسعه مهارت‌های شناختی و فکری تمرکز دارد، در حالی که تربیت شامل جنبه‌های مختلفی از جمله اخلاقی، اجتماعی، و عاطفی نیز می‌شود.

پرورش آن دسته از آموزه‌ها، پیام‌ها و الگوهایی است که جنبه دینی، اخلاقی و انقلابی دارد، ولی آموزش آن دسته آموزه‌هایی است که جنبه شناختی و علمی داشته و در قالب کتاب‌های درسی و به صورت رسمی تدریس می‌شود (کریمی، ۱۳۸۱). به عبارت دیگر، تربیت به دنبال انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی است، در حالی که آموزش بیشتر به دانش و اطلاعات علمی و فنی می‌پردازد.

در پرورش، هدف اصلی این است که همه استعدادها، قابلیت‌ها و توانایی‌های بالقوه متربی را به بالفعل تبدیل کنیم. به بیان دیگر، زمینه شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان را فراهم کنیم، ولی در آموزش، هدف اصلی این است که دانش خود را به شیوه‌ای مقتضی به فراگیر منتقل کنیم. تربیت شامل فرآیندهایی است که به رشد و توسعه همه جانبه فرد کمک می‌کند، در حالی که آموزش بیشتر بر روش‌ها و تکنیک‌های انتقال دانش تمرکز دارد.

البته نباید از این موضوع غافل شد که آموزش و پرورش فرایندی در آمیخته با هم و به مانند تار و پود هستند. آموزش و پرورش باید به گونه‌ای هم‌افزا عمل کنند تا بتوانند به بهترین شکل ممکن فرد را برای زندگی در جامعه آماده کنند. در واقع، برای رسیدن به توسعه پایدار و همه‌جانبه، نیاز است که این دو فرایند در کنار یکدیگر و با هماهنگی کامل به کار گرفته شوند.

ارتباط مفهوم تعلیم و تربیت

حال بعد از بررسی دیدگاه صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت درباره تفاوت تعلیم و تربیت، به بررسی رابطه بین تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) می‌پردازیم:

بیان تفاوت‌های تعلیم و تربیت به معنای نداشتن رابطه بین تعلیم و تربیت نیست بلکه به نظر می‌رسد این دو مفهوم دو بخش جدا نشدنی از یکدیگرند (تار و پود). و اگر قبول کنیم که تفاوت‌هایی بین این دو وجود دارد، دلیل بر آن نیست که ما بتوانیم ارتباط این دو عنصر مهم را رد کنیم.

در واقع، پرورش به فرآیندی اطلاق می‌شود که ناظر بر پرورش جنبه‌های عقلانی، اخلاقی، اجتماعی و جسمی است. در این تعریف، پرورش در متن آموزش قرار دارد و به منزله تار و پود (ترکیب ذاتی و جوهری) یک مفهوم واحد تلقی می‌شود، و نه یک ادغام مکانیکی و الصافی. به عبارت دیگر، پرورش موضوع آموزش است و هیچ آموزشی بدون پرورش معنا ندارد و هیچ پرورشی هم بدون آموزش تحقق نمی‌یابد (کریمی، ۱۳۸۱).

در تبیین این ارتباط می‌توان گفت که ارتباط بین تعلیم و تربیت ذاتی و جدانشدنی است. درواقع تعلیم و تربیت دو فرآیند مکمل و درهم‌تنیده هستند که هر یک بدون دیگری ناقص است. آموزش به انتقال دانش و مهارت‌ها می‌پردازد، در حالی که تربیت به رشد همه‌جانبه فرد، شامل جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و عاطفی توجه دارد. بدون تربیت، آموزش نمی‌تواند به‌طور مؤثر انجام شود، زیرا انتقال دانش و مهارت‌ها نیازمند زمینه‌سازی اخلاقی و اجتماعی است که تربیت فراهم می‌کند.

همان‌طور که کریمی (۱۳۸۱) بیان می‌کند، پرورش در متن آموزش قرار دارد. این بدین معناست که هر فرایند آموزشی باید دربردارنده عناصر پرورشی باشد تا بتواند به‌طور کامل به اهداف خود برسد. به‌طور مثال، آموزش علوم تنها انتقال مفاهیم علمی نیست، بلکه شامل پرورش تفکر انتقادی، خلاقیت و اخلاق علمی نیز هست.

ترکیب تعلیم و تربیت به صورت هماهنگ و یکپارچه، باعث هم‌افزایی در فرایند رشد و توسعه فردی و اجتماعی می‌شود. زمانی که آموزش و تربیت به‌صورت متوازن و هماهنگ عمل کنند، فرد قادر خواهد بود تا نه‌تنها در حوزه‌های علمی و فنی پیشرفت کند، بلکه از نظر اخلاقی و اجتماعی نیز به بلوغ برسد.

ارتباط دیگری که آموزش با پرورش دارد پایدار سازی یادگیری می‌باشد. این پایدار سازی از طریق تقویت ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مثبت، صورت می‌گیرد و کمک می‌کند تا دانش و مهارت‌هایی که از طریق آموزش کسب می‌شوند، به‌طور مداوم و پایدار در رفتار و عملکرد فرد باقی بمانند. بدون تربیت، یادگیری ممکن است سطحی و موقتی باشد.

در نتیجه، تعلیم و تربیت دو عنصر جدانشدنی و مکمل در فرآیند رشد و توسعه فردی و اجتماعی هستند. هر یک از این دو مفهوم بدون دیگری ناقص است و تنها در ترکیب هماهنگ با یکدیگر می‌توانند به اهداف نهایی خود برسند. بنابراین، به منظور دستیابی به توسعه پایدار و همه‌جانبه، باید به تعلیم و تربیت به‌عنوان دو روی یک سکه نگریسته شود و تلاش شود تا این دو فرآیند به‌صورت هماهنگ و متوازن در نظام آموزشی و تربیتی به‌کار گرفته شوند.

تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام

در منابع دینی، به ویژه قرآن کریم، به تعلیم و تربیت توجه ویژه‌ای شده است و برخی از مفسران به معنی و مفهوم تعلیم و تربیت پرداخته‌اند. آن‌ها با هم‌معنی دانستن تزکیه و تربیت، این فعالیت را مستقل از تعلیم دانسته و به دو فعالیت جدا از هم اشاره دارند. به عبارت دیگر، پرورش هم‌معنی اصطلاح تزکیه است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است و آموزش که معادل واژه تعلیم است از مفهوم پرورش (تربیت) متمایز شده است.

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه این دیدگاه را با قرآن کریم مطابقت داده است. به‌طور نمونه، دیدگاه فوق‌الذکر با آیات ۱۵۱ و ۱۲۹ سوره بقره، ۱۶۴ آل عمران و آیه دوم سوره جمعه مطابقت داده شده و این موضوع بیان شده است که دو مفهوم

تزکیه (هم معنی با اصطلاح تربیت) و تعلیم با هم تفاوت دارند که هر یک ناظر به بعدی از ابعاد وجودی آدمی هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶).

تزکیه در لغت به معنی نمو دادن است و به معنی پاک سازی نیز آمده است. تکامل وجود انسان از جنبه های علمی و عملی به عنوان هدف نهایی بعثت معرفی شده است. موضوع دیگر این است که نیمی از شخصیت ما را عقل و خرد تشکیل می دهد و نیمی دیگر را غریزه ها و امیال (حسنی و نوید ادهم، ۱۳۹۰).

با توجه به مطلب ذکر شده، به همان اندازه که نیاز به تعلیم داریم، نیاز به تربیت هم داریم. یعنی هم خرد ما باید تکامل یابد که در اثر تعلیم حاصل می شود و هم غریزه های درونی ما به سوی هدف صحیحی هدایت شوند که این مهم در اثر تربیت یا پرورش به دست می آید.

در چهار مورد از آیات قرآن کریم، مسئله تعلیم و تربیت به عنوان هدف پیامبران ذکر شده و در سه مورد، تربیت (تزکیه) بر تعلیم مقدم شمرده شده است. تنها در یک مورد تعلیم بر تربیت مقدم است. می دانیم تا تعلیمی نباشد، تربیتی نیز صورت نمی گیرد. این تقدم به وضع طبیعی آن اشاره دارد و گویا هدف، تربیت است و بقیه مقدمه اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶).

این چهار آیه مبارک عبارت اند از:

«يُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ» (بقره: ۱۵۱)

«وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ» (آل عمران: ۱۶۴)

«وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ» (جمعه: ۲)

«وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيْهِمْ» (بقره: ۱۲۹)

تعلیم و تربیت به صورت ذاتی با یکدیگر رابطه ترکیبی دارند. با در نظر گرفتن معنی، مفهوم و تفسیر این آیات از قرآن کریم و تدبر در این آیات، می توانیم به ارتباط تنگاتنگ و جدانشدنی این دو پی ببریم. در واقع، نکته ای که به نظر می آید این است که رابطه بین تعلیم و تربیت ترکیب ذاتی و جوهری است.

در هر چهار آیه، تلاوت قرآن، که خود یک نوع آموزش است، در آغاز تربیت (تزکیه) قرار گرفته و در یک مورد، تعلیم مقدم بر تزکیه ذکر شده است. این خود حاکی از دو نکته مهم است: نخست اینکه هیچ تربیتی بدون آموزش محقق نمی شود. دوم اینکه در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی، تنها تعلیمی منجر به تربیت اسلامی می شود که در ذات خود تربیت اسلامی را به همراه داشته باشد که رنگ الهی داشته باشد (بناری، ۱۳۹۰).

با توجه به دیدگاه های مطرح شده، روشن است که تعلیم و تربیت در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردارند و به عنوان دو عنصر مکمل و جدانشدنی تلقی می شوند. در واقع، برای رسیدن به رشد و تکامل واقعی، لازم است که تعلیم و تربیت به صورت هم زمان و هماهنگ به کار گرفته شوند. تعلیم بدون تربیت نمی تواند به اهداف عالی خود برسد و تربیت بدون تعلیم نیز نمی تواند اثرگذاری مطلوبی داشته باشد. بنابراین، در نظام آموزشی و تربیتی اسلام، این دو مفهوم به صورت ترکیبی و یکپارچه مورد توجه قرار می گیرند.

دیدگاه پیامبر اکرم (ص) و امیرالمومنین علی (ع)

سخنان پیامبر اکرم (ص) در مورد علم، تعلیم و تربیت

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: "فُضِّلَ الْعَالِمُ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضَلِي عَلَى أَدْنَاكُمْ؛ برتری عالم بر عابد مانند برتری من بر پایین‌ترین شماست." (نهج‌الفصاحه، حدیث ۱۵۴۴). این سخن نشان‌دهنده ارزش علم و تعلیم بر عبادت است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: "مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مَن عَمِلَ بِهِ؛ کسی که علمی بیاموزد، پاداش هر کس که به آن علم عمل کند برای او نیز هست." (نهج‌الفصاحه، حدیث ۹۳۵). این حدیث به اهمیت تعلیم علم و نشر آن میان مردم اشاره دارد.

پیامبر (ص) می‌فرمایند: "أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ؛ علم را از گهواره تا گور طلب کنید." (نهج‌الفصاحه، حدیث ۲۸۸). این سخن به اهمیت و ضرورت جستجوی علم در تمام مراحل زندگی اشاره دارد.

ایشان همچنین می‌فرمایند: "هیچ صدقه و بخششی (از لحاظ میزان پاداش و بازده معنوی) نمی‌تواند با نشر و تعلیم علم برابر کند." (مطهری، ۱۳۸۱).

همچنین ایشان می‌فرمایند: هیچ صدقه و بخششی (از لحاظ میزان پاداش و بازده معنوی) نمی‌تواند با نشر و تعلیم علم برابر کند (مطهری، ۱۳۸۱).

سخنان امیرالمومنین (ع) در مورد علم، تعلیم و تربیت

امیرالمومنین علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: "العلم سلطان؛ دانش قدرت است." (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷). این بیان نشان‌دهنده اهمیت و قدرت علم در جامعه و در زندگی فردی است.

همچنین ایشان درباره نتایج علم آموزی می‌فرمایند: "از نتایج علم، پرهیزکاری و دوری از هوای نفس و دنبال کردن هدایت و دوری از گناهان و دوستی با دیگران و گوش دادن به سخنان دانشمندان و قبول سخن آنان است.

همچنین از ثمرات آن، ترک انتقام به هنگام توانایی بر آن و زشت دانستن نزدیکی به باطل و نیکو شمردن تبعیت از حق و سخن حق و راست گفتن و دوری از خوشحالی در حال غفلت و دوری از انجام آنچه پشیمانی به دنبال دارد است."

همچنین می‌فرمایند: "الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ؛ فَمَنْ عَمِلَ وَالْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ؛ دانش همراه عمل است، پس هر که دانست، عمل کند و دانش فریاد کند به عمل، اگر اجابت کند بماند وگرنه برود" (غررالحکم، حدیث ۶۴۴۸).

سخنان و آموزه‌های امیرالمومنین علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) به اهمیت و جایگاه ویژه علم، تعلیم و تربیت در اسلام اشاره دارند. علم نه تنها به عنوان یک قدرت و ابزار ارزشمند در زندگی فردی و اجتماعی شناخته می‌شود، بلکه به عنوان یک وظیفه دینی و اخلاقی نیز مطرح است. از این رو، مسلمانان موظف به جستجوی علم، تعلیم آن به دیگران و عمل به دانش خود هستند تا بتوانند به رشد و تعالی برسند و جامعه‌ای بهتر و با اخلاق‌تر بسازند.

نتیجه‌گیری

تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) دو عنصر اساسی و مکمل در فرآیند یادگیری و رشد انسان هستند که مانند تار و پود در هم تنیده شده‌اند. این مقاله نشان داد که رابطه بین تعلیم و تربیت ترکیب ذاتی و جوهری است و هیچ‌یک بدون دیگری به طور کامل مؤثر نخواهد بود.

تعلیم به فرایند انتقال مفاهیم و تأثیرگذاری در ذهن فراگیران اطلاق می‌شود که هدف آن ایجاد یادگیری و افزایش دانش است. این فرآیند می‌تواند به صورت رسمی در محیط‌های آموزشی نظیر مدارس و دانشگاه‌ها یا به صورت غیررسمی از طریق مطالعه،

رسانه‌ها و تجارب روزمره صورت گیرد. تعلیم به انتقال دانش و اطلاعات می‌پردازد و باعث گسترش فهم و درک علمی و فرهنگی فراگیران می‌شود.

تربیت به فرایندی اطلاق می‌شود که بر پرورش و به فعلیت رساندن استعدادها و توانایی‌های عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و جسمی متربیان تأکید دارد. هدف تربیت، شکوفا کردن تمامی جنبه‌های شخصیت فرد و هدایت او به سوی یک زندگی متعادل و سازنده است. تربیت شامل آموزش ارزش‌ها، اخلاق، مهارت‌های اجتماعی و رفتاری است و باعث رشد همه‌جانبه شخصیت فرد می‌شود.

در واقع، هیچ تعلیمی بدون تربیت اثربخش نیست و هیچ تربیتی بدون تعلیم کارایی لازم را نخواهد داشت. تعلیم و تربیت دو روی یک سکه هستند که هر دو برای دستیابی به یک جامعه سالم و پیشرفته ضروری‌اند. این در هم تنیدگی و آمیختگی تعلیم و تربیت در آیات قرآن کریم نیز مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان مثال، در آیات متعدد قرآن کریم به اهمیت هر دو مفهوم اشاره شده است و تعلیم و تربیت به عنوان اهداف پیامبران الهی مطرح شده‌اند.

شواهد قرآنی

آیات ۱۵۱ و ۱۲۹ سوره بقره، ۱۶۴ آل عمران و آیه دوم سوره جمعه به صراحت نشان می‌دهند که تعلیم و تربیت دو وظیفه اصلی پیامبران بوده است. در این آیات، فرآیند تعلیم به تلاوت آیات الهی و آموزش کتاب و حکمت اشاره دارد و فرآیند تربیت به تزکیه و پاک‌سازی نفس اشاره می‌کند. این شواهد قرآنی تأکید می‌کنند که برای دستیابی به رشد و کمال انسانی، هر دو عنصر تعلیم و تربیت باید به صورت هم‌زمان و هماهنگ به کار گرفته شوند.

دیدگاه‌های دینی و فلسفی

دیدگاه‌های امیرالمومنین علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) نیز بر اهمیت هر دو عنصر تأکید دارند. امیرالمومنین علی (ع) علم را به عنوان قدرتی معرفی می‌کند که می‌تواند انسان را به پرهیزکاری و دوری از هوای نفس هدایت کند. پیامبر اکرم (ص) نیز علم را به عنوان صدقه‌ای بزرگ معرفی می‌کند که پاداش آن بسیار ارزشمند است. این دیدگاه‌ها نشان می‌دهند که تعلیم و تربیت نه تنها از لحاظ علمی و عملی بلکه از نظر اخلاقی و دینی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند.

نتیجه‌گیری نهایی

با توجه به مباحث مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که تعلیم و تربیت دو عنصر جدانشدنی و مکمل هستند که برای دستیابی به رشد و تعالی فردی و اجتماعی ضروری‌اند. تعلیم به انتقال دانش و اطلاعات می‌پردازد و تربیت به شکوفا کردن استعدادها و هدایت اخلاقی و اجتماعی فرد. این دو فرآیند باید به صورت هم‌زمان و هماهنگ به کار گرفته شوند تا بتوان به یک جامعه سالم، آگاه و متعالی دست یافت. آموزه‌های دینی و شواهد قرآنی نیز بر این هم‌پیوندی و ضرورت تأکید دارند و راهنمایی برای نظام‌های آموزشی و تربیتی ارائه می‌دهند.

منابع و مراجع

قرآن کریم

بناری، علی همت (۱۳۹۰). رابطه ی تعلیم و تربیت با تأکید بر دیدگاه اسلام. مجله اسلام و پژوهش های تربیتی، سال سوم، شماره دوم

سیف، ع. (۱۳۹۳). روان شناسی تربیتی: نظریه ها و کاربردها. تهران: انتشارات دوران

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۶). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب اسلامی .

حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۷۷) در آمدی بر نظام تربیتی اسلام، مجله مرکز جهانی علوم اسلامی

کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۱). آموزش به مثابه پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۱

مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). تعلیم و تربیت در اسلام. انتشارات صدرا.

حاجی ده آبادی، م. (۱۳۷۷). مبانی تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات رشد.

کریمی، ی. (۱۳۸۱). آموزش و پرورش تطبیقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حسنی، م. و نوید ادهم، م. (۱۳۹۰). مبانی تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات آموزش و پرورش.